

تحلیل رابطه‌ی حس مکان دوران کودکی و ذائقه‌ی معماری بزرگسالی، مورد مطالعاتی: دانشجویان معماری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)*

احمدعلی ایرجی*^۱ - مهدی زندیه^۲ - محمدصادق فلاحت^۳ - رضا سامه^۴

۱. دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین (نویسنده مسئول).
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
۳. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه زنجان، زنجان.
۴. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

چکیده

ذائقه معماری نیرویی ذهنی است که بدون هیچ دلیل منطقی حس تشخیص ایجاد می‌کند؛ یک تشخیص ذهنی سریع همراه با ظرافت‌های احساسی که به انتخاب‌های معماری می‌انجامد. موضوعی که نه از دانش، بلکه از بینش معماری منبعت است و بیش از آن که بر داده‌های عینی فرد منطبق باشد به انگاره‌های شهودی ذهن او متکی است. یکی از راه‌ها برای شناخت رفتار ذائقه‌ی معماری کاربر، شناخت منابعی است که این انگاره‌های فضایی-شهودی را در ذهن او تولید می‌کند و حس مکان یکی از همین منابع است. حس مکان کاربر از فضاهای تجربه‌شده قبلی، عصاره‌ای از دریافت‌های شهودی او نسبت به آن فضاهاست که به صورت یک حس در ذهن او ثبت شده است. حس‌هایی که ملموس‌ترین آن‌ها را می‌توان در دوره کودکی او جستجو کرد. "هدف" از این پژوهش از یک طرف بازتعریف مفهوم حس مکان دوران کودکی و ذائقه معماری و از طرف دیگر شناخت مؤلفه‌های حس مکان کودکی جامعه آماری تحقیق نسبت به بناهای دوران کودکی آن‌ها است تا چگونگی تأثیر این مؤلفه‌ها بر مؤلفه‌های دلپسند ذائقه معماری آن‌ها در دوره بزرگسالی مورد تحلیل و تطبیق قرار گیرد. لذا این پژوهش، از یک طرف به تبیین چیرستی ذائقه معماری و حس مکان کودکی پرداخته و از طرف دیگر به این پرسش "پاسخ داده است که چرا میان حس مکان کودکی و ذائقه معماری بزرگسالی فرد ارتباط وجود دارد و ماهیت این ارتباط چگونه است. بر اساس "یافته‌های این پژوهش" حس مکان فرد نسبت به بناهای دوره کودکی او به سه دسته کلی حس مکان مثبت (مکان لذت، مکان امن و مکان حسرت)، حس مکان منفی (مکان درد) و حس مکان خنثی (مکان تکرار) تقسیم شده و به طور خاص مکان حسرت، تأثیر محسوس بر ذائقه معماری بزرگسالی او دارد. در این پژوهش، هم در جمع‌آوری داده‌ها و هم در طبقه‌بندی آن‌ها از روش‌های ترکیبی (مصاحبه‌های کیفی عمیق و وزن‌دهی کمی داده‌های آن) استفاده شده و تحلیل‌های عرضه شده نیز به صورت کیفی و محقق‌محور است.

واژگان کلیدی: انتخاب معماری، ذائقه معماری بزرگسالی، حس مکان، کودکی، انگاره‌های شهودی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تأثیر حس مکان دوران کودکی بر ذائقه معماری» است که با راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و با مشاوره نویسنده چهارم در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است.

** E-mail: aa.iraji@gmail.com

۱. مقدمه

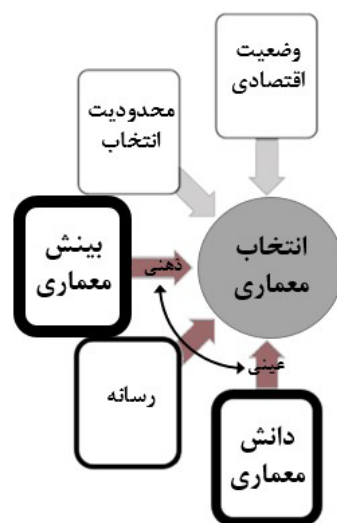
معماری ایران مشکلی به مراتب عمیق‌تر از ضعف عرضه است و در صورت تشنگی کاربران به معماری با کیفیت، معماران قابلیت رفع این تشنگی را داشته یا به سرعت خواهند یافت (Hojat and Aghalatif 2010, 25). از زاویه‌ای مشابه اما تا حدی متفاوت، مطالعه حاضر تقاضای پایین معماری باکیفیت در کشور را نه تنها در ضعف دانش اکتسابی معماری کاربران، بلکه بیش‌تر در ضعف بینش شهودی معماری آن‌ها می‌داند. زیرا اساساً امکان زیادی برای افزایش دانش معماری عموم جامعه از طریق مدرسه یا رسانه وجود ندارد و چه بسا بهتر است به جای آموزش مستقیم و با همان امکانات، استفاده از مشاوره معماری در میان کاربران عادی فرهنگ‌سازی شود. اما بینش معماری مقوله‌ای نیست که با آموزش مستقیم معماری یا دریافت مشاوره معماری ارتقا یابد. بینشی که از انگاره‌های شهودی ثبت‌شده در ناخودآگاه ذهن نشأت می‌گیرد و به صورت مستقیم ذائقه معماری کاربران (پسندها و ناپسندهای آنی و شهودی) و در نتیجه انتخاب‌های معماری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Haidt 2019, 45).

با توجه به تأثیر بی‌واسطه انتخاب معماری کاربران در بالا رفتن تقاضای معماری باکیفیت در کشور، به نظر مطالعه این موضوع و سنجش میزان تأثیر عوامل گوناگون بر آن ضروری است. از عوامل مؤثر بر انتخاب معماری، مؤلفه محدودیت اقتصادی از حوزه مطالعات معماری خارج است و مؤلفه شناخت نیازهای عملکردی، مؤلفه محدودیت سبک انتخاب و نیز مؤلفه تأثیر رسانه مورد توجه پژوهشگران بوده است. آن‌چه در این بین مغفول مانده توجه به مؤلفه ذائقه معماری یا عوامل بینشی است (شکل ۱).

یکی از مهم‌ترین مشکلات معماری ایران، متوازن نبودن توسعه کمی و کیفی بناهای ساخته‌شده یا در حال ساخت است. چه بسیار ساختمان‌های نوسازی که در سطح خرد و کلان و در پاسخ به نیازهای جامعه ساخته می‌شوند اما به علت ضعف کیفی و پس از گذشت زمانی کوتاه‌تر از پیش‌بینی‌ها، نه تنها قابلیت خود را برای رفع کمی نیازهای موجود از دست می‌دهند، بلکه علاوه بر هدررفت منابع و ایجاد معضلات زیست‌محیطی، به موانعی جدی در مسیر اتخاذ رویکردهای صحیح بعدی تبدیل می‌شوند. به نظر می‌رسد کیفیت پایین معماری کنونی ایران چه در حوزه طراحی معماری و چه در حوزه ساخت آن، بیش از هر چیز ناشی از ضعف دانش و بینش معماری عرضه‌کنندگان (طراحان و مجریان معماری یا معماران) و تقاضاکنندگان (کارفرمایان یا کاربران) معماری است. بدین معنا که هم در حیطه عرضه و هم در حیطه تقاضا، معماران و کاربران ایرانی تمرکز کم‌تری بر کیفیت معماری داشته و به شاخصه‌های کمی اهمیت بیش‌تری می‌دهند (Mahdavinezhad and Talebhashemi 2017, 103).

مطالعات اخیر در این زمینه بیش‌تر به ضعف دانش معماران و تا حدی بر ضعف دانش کاربران توجه داشته و راهکارهایی برای تقویت آموزش معماری به منظور افزایش دانش معماری برای هر دو گروه مورد نظر (چه در دانشگاه و چه در مدارس و سطح جامعه) ارائه داده‌اند و بررسی بینش شهودی معماری، مورد توجه مطالعات مذکور نبوده است. در این بین گروهی از محققان نیز مانند حجت معتقدند که هم در حوزه دانش و هم در حوزه بینش معماری، ضعف تقاضا در وضعیت کنونی

شکل ۱: عوامل مؤثر بر انتخاب معماری



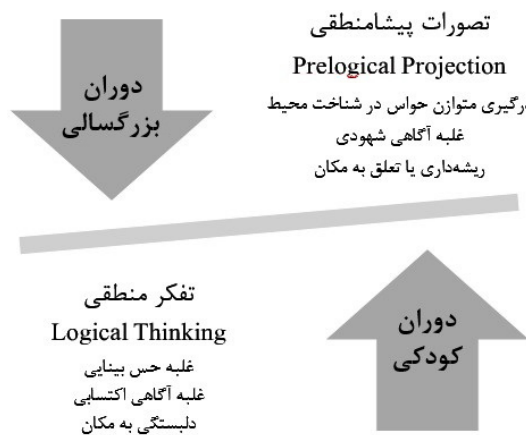
تشخیص ایجاد می‌کند؛ یک تشخیص ذهنی سریع همراه با ظرافت‌های احساسی» (Frasconi 1986, 5).

فراسکاری ذائقه معماری را این‌طور تعریف می‌کند: «نیروی ذهنی است که بدون هیچ دلیل منطقی حس

هرچند ذائقه معماری کاربران تنها متأثر از خاطرات فضایی آن‌ها نیست و خاطرات فضایی کاربر از فضاهای تجربه‌شده قبلی نیز به طور کامل در حس مکان او خلاصه نمی‌شود. اما می‌توان گفت که حس مکان کاربر از فضاهای تجربه‌شده قبلی، عصاره‌ای از دریافت‌های شهودی او نسبت به آن فضاهاست که به صورت یک حس در ذهن او ثبت شده است. حس‌هایی که ملموس‌ترین آن‌ها را می‌توان در دوره کودکی او جستجو کرد و دلیل اصلی این موضوع نیز داشتن تصورات پیش‌مانطقی به جای تفکر منطقی در دوران کودکی است (Chawla 1992, 64). به علاوه، حس مکان دوران کودکی به حس‌هایی که فرد نسبت به مکان‌های جدید پیدا می‌کند نیز جهت می‌دهد و با ایجاد انگاره‌های شهودی در ناخودآگاه ذهن، در واقع ذائقه معماری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شکل ۲).

بنابراین، ذائقه معماری یکی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انتخاب‌های معماری کاربران است که خود از انگاره‌های شهودی ناخودآگاه ذهن تغذیه می‌شود. لذا از دریچه نگاه این پژوهش، شناخت عوامل ایجادکننده انگاره‌های شهودی در ذهن، ما را به شناخت بهتر ذائقه معماری رهنمون خواهد شد و یکی مهم‌ترین این عوامل حس مکان و خصوصاً حس مکان دوران کودکی است. قابل ذکر است که بینش شهودی مورد نظر در این پژوهش حاصل از امور سرشتی و ژنتیکی نیست. بلکه هدف، مطالعه امور تکوینی در رشد شخصیت فرد در بعد معنایی-فردی است که شاکله ذهن او را در دوران کودکی در مواجهه با مکان‌های معماری آن دوران ایجاد می‌کند و مهم‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری حس مکان دوران کودکی و در پی آن حس مکان دوران بزرگسالی دارد.

شکل ۲: تفاوت ساختار ذهن کودک و بزرگسال



هدف از این پژوهش از یک طرف بازتعریف مفهوم حس مکان دوران کودکی و ذائقه معماری و از طرف دیگر شناخت مؤلفه‌های حس مکان کودکی جامعه آماری تحقیق نسبت به بناهای دوران کودکی آن‌ها است تا چگونگی تأثیر این مؤلفه‌ها بر مؤلفه‌های دلپسند ذائقه معماری آن‌ها در دوره بزرگسالی مورد تحلیل و تطبیق قرار گیرد. ضمن آن‌که این پژوهش سکوی مناسبی برای آینده‌پژوهی ذائقه معماری کارفرمایان فردا در پژوهش‌های آتی از دریچه شناخت حس مکان کودکان دیروز است.

۲. پرسش‌های تحقیق

برای نیل به هدف تحقیق، سؤالات تحقیق در روندی سلسله‌مراتبی از جزء به کل مرتب شده‌اند:

- منظور از حس مکان دوران کودکی چیست؟
- چرا حس مکان دوران کودکی در پرورش ذائقه معماری مؤثر است؟
- خاطرات فرد از حس مکان در دوران کودکی چگونه در ذائقه معماری در دوران بزرگسالی تأثیر می‌گذارد؟

به نظر می‌رسد حس مکان دوران کودکی از چهار جهت دارای اهمیت بیشتری نسبت به حس مکان دوران بزرگسالی است: ۱. نخست آن‌که بر اساس نظر چاولا انگاره‌های حسی- شهودی شکل‌دهنده حس مکان به علت ساختار پیش‌مانطقی ذهن کودک، بیش‌تر امکان تولید یافته و نیز به دلیل نداشتن زمینه تجربه‌های قبلی در ذهن او به صورت ملموس‌تر و ماناتری ثبت می‌شود؛ ۲. دوم آن‌که بر اساس نظر وجیه، بناهای دوران کودکی به دلیل محدود بودن تعداد و طولانی بودن زمان حضور و تکرار شدن مداوم مواجهه با آن‌ها در مدت زمانی به نسبت طولانی، حس مکان قوی‌تری را نسبت به بناهای دوران بزرگسالی برمی‌انگیزد؛ ۳. سوم آن‌که نظام آموزشی بینایی‌محور و هم‌رنگ‌پرور (Godin 2021, 54)، ناخواسته دیگر گیرنده‌های حسی را منفعل کرده و اشتیاق به جستجوگری را در انسان سرکوب می‌نماید و لذا در شکل‌گیری حس مکان در مراحل بعدی زندگی اخلاص ایجاد می‌کند و ۴. آن‌که حس مکان دوران کودکی به علت تقدم زمانی، به احساسی که فرد نسبت به بناهای جدید پیدا می‌کند جهت می‌دهد.

۳. فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که مفهوم حس مکان کودکان مورد نظر در این پژوهش، جایی در میان مفاهیم و تئوری‌های گوناگون مطرح شده در حوزه مطالعات حس مکان داشته اما انطباق کاملی با هیچ‌یک از آن‌ها نداشته باشد. زیرا ویژگی‌های ذهنی و ساختار حافظه کودکان و روند تجزیه و تحلیل فکری آن‌ها، دریافت و ادراک آن‌ها از محیط اطراف (مکان) را متفاوت می‌کند. لذا در پاسخ به سؤال چستی حس مکان کودکانی، مهم‌ترین موضوع توجه به این تفاوت‌ها است.

از طرف دیگر، این پژوهش با مفهوم کلیدی ذائقه معماری مرتبط است و منظور از آن در این پژوهش، مجموعه عوامل ذهنی- درونی افراد است که نقشی تعیین‌کننده در انتخاب‌های معماری آن‌ها دارد. تأثیر قابل توجه تربیت کودکی بر درونیات و شخصیت افراد در دوران بزرگسالی موضوعی اثبات شده در شاخه‌های مختلف علوم است. اما این تربیت، تنها ناشی از رابطه انسان با دیگر انسان‌ها نیست. بلکه رابطه انسان با محیط اطراف خود نیز در این بین مؤثر است. از این زاویه نگاه است که پاسخ به چرایی و چگونگی تأثیر تربیتی مکان‌های دوران کودکی بر ذائقه مکانی آینده انسان در این پژوهش اهمیت می‌یابد. لذا فرضیه پژوهش به دنبال پاسخ به چستی و چرایی و چگونگی مطرح شده در سؤالات تحقیق بوده و بدین شرح است:

- حس مکان دارای ابعاد سه‌گانه معنایی- فردی، اجتماعی- گروهی و کالبدی- محیطی است. حس مکان از بعد معنایی- فردی در ارتباط نزدیک با خاطرات خوشایند (لذت) و ناخوشایند (درد) فرد در حین تجربه‌های فضایی اوست که با تکرار زیاد و یا اثرگذاری دفعی اما قابل توجه، به دلبستگی یا دلزدگی از مکان یا ترکیبی از هر دو در او

انجامیده است. حس مکان کودکی به دلیل ساختار ذهنی کودک و در تفاوتی آشکار نسبت به حس مکانی که فرد در بزرگسالی تجربه می‌کند، با بعد معنایی- فردی حس مکان قرابت بیش‌تری دارد.

- حس مکانی که در کودکی به فرد منتقل شده به علت بعد معنایی عمیق‌تر و ثبت بیش‌تر انگاره‌های شهودی در ناخودآگاه ذهن کودک، در او ریشه‌دارتر بوده، سهم بیش‌تری در شاکله آگاهی شهودی او دارد و لذا در شکل دادن به ذائقه معماری او که از همین انگاره‌های شهودی تغذیه می‌شود اثربخش‌تر است.

- تجربه‌های فضایی دوران کودکی و حس مکانی که فرد به عنوان عصاره آن تجربه‌ها و به صورت شهودی در ذهن دارد، هم به صورت ایجابی و هم سلبی در ذائقه معماری او در بزرگسالی مؤثر است.

۴. پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده حول موضوع پژوهش را می‌توان در چهار عنوان دسته‌بندی کرد:

۱. ذائقه معماری: مطالعاتی به چستی ذائقه در معماری پرداخته و رابطه ذائقه طراحی معماران و ذائقه معماری کاربران عادی را جستجو کرده‌اند.

۲. خاطره و معماری: مطالعاتی که به طور کلی به بررسی رابطه حافظه انسان، خاطرات او و معماری پرداخته‌اند.

۳. حس مکان: مطالعاتی که به شناخت مفهوم حس مکان پرداخته و تلاش کرده‌اند میزان حس مکان را در میان نمونه‌های موردی مختلف سنجش نمایند.

۴. حس مکان کودکی: مطالعاتی که حس مکان دوران کودکی را مورد دقت قرار داده و مؤلفه‌های مؤثر در آن را واکاوی کرده‌اند.

جدول ۱: تعداد منابع پیشینه از لحاظ محتوایی

۵	ذائقه معماری
۱۰	خاطره و معماری
۳۸	حس مکان
۴	حس مکان کودکی

از طرف دیگر، منابع پیشینه تحقیق در دو دسته کلی مورد دقت قرار گرفته‌اند؛ مطالعات نظری در حوزه حس مکان و مطالعات نظری در حوزه ذائقه معماری. از لحاظ نوع پژوهش، مطالعات حوزه حس مکان غالباً اسنادی- میدانی هستند. بدین معنا که با رویکردی کیفی نظر دانشوران قبلی در این حوزه مطالعاتی به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و چارچوب نظری تحقیق بر اساس طبقه‌بندی پیشنهادی محقق از آن منابع و نیز نظرات جدید او ترسیم شده است. سپس در چارچوب ترسیم شده، پژوهشی

هر چند مطالعات انجام شده ذیل عنوان خاطره و معماری و نیز حس مکان پر تعداد بوده و تلاش شده تا در اینجا مرتبط‌ترین مطالعات با موضوع تحقیق گردآوری شود، اما مطالعات حوزه ذائقه معماری و حس مکان کودکی، مخصوصاً در میان پژوهشگران معماری، بسیار کم‌تعداد بوده و از این جهت، عناوین مذکور حوزه‌هایی بکر برای مطالعات معماری به حساب می‌آیند. در جدول ۱، تعداد منابع بررسی شده در پیشینه تحقیق ذیل عناوین مذکور قابل مشاهده است.

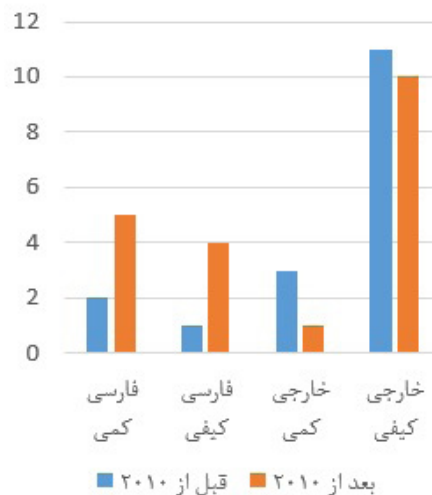
باشد یافت نشد و مطالعات میدانی صورت گرفته در این حوزه نیز به شکل مشاهدات میدانی محقق‌محور است. در جدول ۲، شمار پژوهش‌های بررسی‌شده در پیشینه تحقیق از لحاظ نوع پژوهش و در شکل ۳، تعداد آن‌ها بر اساس رویکرد تحقیق به نمایش درآمده است. ضمن آن‌که در این نمودار میزان رشد مطالعات فارسی و انگلیسی، چه با رویکرد کمی و چه با رویکرد کیفی، قبل و بعد از سال ۲۰۱۰ مشخص شده است.

میدانی که غالباً رویکردی کمی دارد از میان جامعه آماری تحقیق به انجام رسیده و نتایج حاصل از آن به سؤالات تحقیق پاسخ گفته است. هرچند اخیراً پژوهش‌هایی نیز در این حوزه انجام می‌شود که در مطالعات میدانی خود رویکردی کیفی دارند و تعداد آن‌ها رو به افزایش است. در مطالعات حوزه ذائقه معماری، پژوهش‌های کم تعداد موجود از نوع اسنادی بوده و مطالعه‌ای از نوع میدانی که با پرسش از جامعه آماری در این حوزه به انجام رسیده

جدول ۲: تعداد منابع پیشینه از لحاظ روشی

۱۳	منابع اسنادی
۵	منابع اسنادی (مروری)
۳۹	منابع اسنادی-میدانی

شکل ۳: رویکرد تحقیق منابع پیشینه



2013; Nikravesht and Ghasemi 2014; Jafaripur and Frutan 2015; Falahat et al. 2017; Hernandez et al. 2020; Manzo and Devine-Wright 2020; Seamon 2020; Williams and Miller 2020) یا از مشاهدات میدانی محقق (Tuan 1975; Sunyoung 2003; Pallasmaa 2011; Sunyoung 2020) عمیق با نمونه‌های موردی (Nylander 2011; Lak and Gholampur 2015; Beidler 2007; Gustafson 2001; Hay 1998) بهره گرفته شده است. پژوهش‌های کیفی در طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها محقق‌محور بوده و بدین منظور غالباً از روش کدگذاری دستی استفاده کرده‌اند. هرچند در مطالعات متأخر از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مانند NUD*IST و MAXQDA نیز برای کدگذاری داده‌های کیفی بهره‌گرفته شده است (Beidler 2007; Gokce and Chen 2021).

۴-۱- پیشینه تحقیق در حوزه مطالعات حس مکان

در مطالعات حوزه حس مکان، پژوهش‌های با رویکرد کمی برای گردآوری داده از پرسش‌نامه‌های چندگزینه‌ای یا طیف لیکرت بهره برده و در طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای رایانه‌ای کمک گرفته‌اند (SPSS, SAS) و تحلیل کمی صورت‌گرفته اغلب از انواع تحلیل‌های رگرسیون است (Shamai 1991; Nazer 2004; Falahat 2005; Shamai, and Ilatov 2005; Tešter et al. 2011; Heidari et al. 2014; Maleki et al. 2014; Rahimi et al. 2017; Eslami Parikhani et al. 2020).

در مطالعات حوزه حس مکان، پژوهش‌های با رویکرد کیفی برای گردآوری داده یا از منابع کتابخانه‌ای (Hay 1988; Brown, and Perkins 1992; Lewicka 2011; Falahat and Noohi 2012; Kudryavtsev et al. 2012; HashemNezhad et al. 2013; Kashi and Bonyadi

بدین منظور داده‌های مستخرج از پیشینه تحقیق در بخش مبانی نظری در دو حوزه ذائقه معماری و حس مکان کودکی طبقه‌بندی شده است. سپس تلاش شده است تا بر اساس این مبانی نظری و با نظر به مطالعات میدانی این پژوهش، چستی مفهوم حس مکان کودکی و ذائقه معماری بزرگسالی تبیین شود. ضمن آن‌که با تحلیل رابطه میان حس مکان کودکی و ذائقه معماری بزرگسالی، تفسیرهایی از چرایی این رابطه به بحث گذاشته شده است.

برای پاسخ به سؤال سوم پژوهش در باره چگونگی رابطه میان حس مکان کودکی و ذائقه معماری بزرگسالی، ضمن گردآوری و طبقه‌بندی کیفی و محقق محور داده‌های اسنادی و ایجاد چارچوب تئوریک بر اساس نظر دانشوران، تحقیقات میدانی نیز از جامعه هدف انجام داده و یافته‌های تئوریک با یافته‌های حاصل از تحلیل نهایی داده‌های میدانی کنترل و تعدیل می‌شود (بخش ۷-۲). در تحلیل کیفی داده‌های میدانی، این داده‌ها پس از گردآوری و طبقه‌بندی به روش کدگذاری به داده‌های کمی وزن یافته تبدیل شده و در ادامه با تفسیر این داده‌ها، یافته‌های کیفی و محقق محور از آن‌ها استخراج می‌شود. لذا این مطالعه در شمار پژوهش‌های اسنادی-میدانی به حساب می‌آید که رویکردی ترکیبی با راهبرد ارزیابی و تشخیص دارد.

بنابراین، برای شناخت تأثیر حس مکان کودکی بر ذائقه معماری، داده‌های میدانی تحقیق از دو مسیر گردآوری می‌شود. مسیر اول، انجام مصاحبه و استخراج مؤلفه‌های حس مکان کودکی نسبت به بناهای آن دوران و محوربندی و وزن‌دهی داده‌ها بر اساس حسی است که افراد جامعه آماری در دوران کودکی به آن مکان یا شاخصه‌های معماری آن مکان داشته‌اند. مسیر دوم، بررسی شاخصه‌های معماری مورد پسند جامعه آماری است که به صورت ناخودآگاه در ذهن دارند. شاخصه‌هایی که از طرح‌های نهایی دانشجویان معماری (جامعه آماری) یا بناهای مورد پسند آن‌ها استخراج می‌شود تا در نهایت با تطبیق میان دو گروه مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مذکور، به صورت غیر مستقیم، چگونگی تأثیر حس مکان کودکی بر ذائقه معماری آشکار شود. برای انجام تحلیل تطبیقی پیش گفته، لازم است تا داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و طرح‌های دانشجویی به صورت محوری و طبق شاخص‌های معماری پیشنهادی نیلاندر (Nylander 2011) طبقه‌بندی شود.

۶. مبانی نظری

از آن‌جا که مطالعات مستقلی به بررسی رابطه حس مکان دوران کودکی با ذائقه معماری نپرداخته‌اند، لازم است تا چارچوب نظری مطالعات در حوزه‌های مذکور به‌طور جداگانه ترسیم شود تا در ادامه ارتباط مطالعات این دو حوزه با هم مشخص شده و جایگاه پژوهش حاضر در این

از طرف دیگر در پژوهش‌های ترکیبی معمولاً داده‌های کیفی گردآوری شده را به داده‌های کمی تبدیل کرده و از تحلیل‌های کمی به صورت موازی برای ارزیابی تحلیل‌های کیفی و ایجاد تعادل و توازن در آن‌ها بهره برده‌اند (Hay 1998; Gustafson 2001; Shamai 2018; Gokce and Chen 2021). در سال‌های اخیر، مطالعات معتبری عدم همخوانی پژوهش‌های میدانی با رویکرد کمی در حوزه حس مکان را گوشزد کرده و نیاز به مطالعات میدانی با رویکرد کیفی را در این حوزه یادآور شده‌اند (لزوم پرداختن به سؤال «چه چیز؟» تا سؤال «چه مقدار؟») (Lewicka 2011; Hernandez et al. 2020; Manzo, and Devine-Wright 2020; Williams and Miller 2020; Seamon 2020). حتی پژوهشگرانی که بر رویکرد کمی در این حوزه اصرار داشته‌اند نیز اخیراً به رویکردهای ترکیبی رو آورده‌اند (Shamai 2018).

در منابع فارسی، مطالعات صورت‌گرفته در حوزه حس مکان عموماً به شناخت و ارزیابی حس مکان کاربران نسبت به خانه، محله، شهر یا اماکن عمومی و تاریخی که در آن در حال زندگی‌اند یا رفت‌وآمد می‌کنند پرداخته و بیش‌تر این مطالعات با رویکرد کمی به جمع‌آوری داده و تحلیل آن مبادرت کرده‌اند. به علاوه در مطالعات میدانی یا اسنادی-میدانی به زبان فارسی، هیچ تحقیقی در حوزه حس مکان کودکی یافت نشد. مطالعات این حوزه در منابع خارجی نیز کم‌تعداد است (Chawla 1992; Hay 1998; Morgan 2010; Sunyoung 2020).

۴-۲- پیشینه تحقیق در حوزه مطالعات ذائقه معماری

هرچند موضوعاتی چون شناخت مبانی زیبایی یا ریشه‌های ذوق در معماری از گذشته مورد توجه محققان بوده است، اما مطالعه ذائقه معماری کاربران و معماران (که به انتخاب‌های معماری آن‌ها منتهی شود) تاکنون کم‌تر مورد توجه پژوهشگران کشور بوده و اندک مطالعات صورت‌گرفته نیز به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و در چارچوب‌های تئوریک به انجام رسیده است (Ima- ni and Zafarmandi 2017). در جستجو برای پیشینه تحقیق، پژوهشی میدانی (با رویکرد کیفی یا کمی) که ذائقه معماری را به‌عنوان یک متغیر وابسته مورد مطالعه قرار دهد یافت نشد. به علاوه در مطالعات میدانی یا اسنادی-میدانی به زبان فارسی، هیچ تحقیقی در حوزه ذائقه معماری یافت نشد. مطالعات این حوزه در منابع خارجی نیز کم‌تعداد است (Scott 1914; Scruton 1975; Frascari 1980; Holland 2011; Sauchelli 2012; Kushner 2015).

۵. روش تحقیق

این پژوهش با گردآوری و طبقه‌بندی کیفی و محقق محور داده‌های اسنادی و ایجاد چارچوب تئوریک به دنبال پاسخ به سؤالات اول و دوم پژوهش با راهبردی تفسیری است.

میان تبیین شود.

۶-۱- ذائقه معماری

مطالعات حوزه ذائقه معماری از لحاظ «پیامد» بیش‌تر معطوف به برون‌دادهای زیبایی‌شناسانه و وابسته به ذوق در کاربران معماری بوده و به ذائقه معماری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های انتخاب معماری کم‌تر توجه شده است. از لحاظ خواستگاه نیز پژوهشگرانی چون اسکات (Scott 1914)، اسکراتون (Scruton 1975) و ساچلی (Sauchelli 2012) به تعریف ذائقه در معماری پرداخته و ریشه این پسندها و ناپسندهای خودآگاه را در حیطة لذت هنری و استنتاج منطقی انسان جستجو کرده‌اند. هرچند هولند (Holland 2011) با دیدی نقادانه به ارتباط میان ذائقه معماری معماران و کاربران معماری پرداخته و شکاف میان این دو ذائقه را کاوش کرده است، اما به عوامل شکل‌دهنده ذائقه معماری در دو گروه مذکور نپرداخته است. کوشنر (Kushner 2015) نیز که تأثیر رسانه بر انتخاب‌های معماری طراحان و کاربران را مورد مطالعه قرار داده، در واقع از میان عوامل مختلف، بر عامل رسانه تأکید کرده و نسبت به ذائقه معماری به‌عنوان یک عامل ذهنی- دورنی در انتخاب معماری بی‌تفاوت بوده یا آن را به‌طور کامل متأثر از رسانه در نظر گرفته است. در این میان فراسکاری (Frascari 1980) تعاریف گوناگون دانشوران مختلف از ذائقه معماری را جمع‌آوری کرده و بر ریشه داشتن ذائقه معماری در تمایلات غریزی انسان صحه می‌گذارد. «ذائقه معماری توانایی یا نیرویی ذهنی است که بدون هیچ دلیل منطقی حس تشخیص ایجاد می‌کند؛ یک تشخیص ذهنی سریع همراه با ظرافت‌های احساسی که به انتخاب‌های معماری می‌انجامد» (Frascari 1986, Quoted from Binini 1970, 75; 5). البته فراسکاری به عوامل مؤثر بر ذائقه معماری نمی‌پردازد و تنها با بررسی معماری غرب در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی به این نتیجه رسیده است که ذائقه معماری نقشی قابل‌توجه در تعیین روند معماری غرب داشته است.

۶-۲- مبانی نظری مطالعات در حوزه حس مکان کودکی

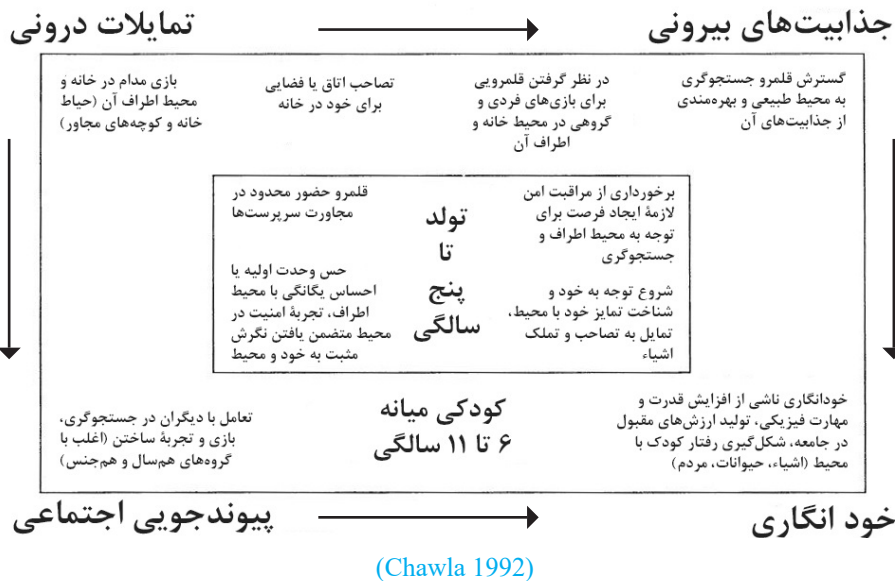
آن‌طور که از مطالعات چاولا (Chawla 1992) و مورگان (Morgan 2010) برمی‌آید، حس مکان کودکی در خلال تئوری‌های منبعث از بُعد معنایی- فردی حس مکان تعریف می‌شود. لازم به ذکر است که طبق نظر چاولا، هر چه کودک از خردسالی به سمت نوجوانی می‌رود، حس مکان او از شکل ناخودآگاه به سمت حالت خودآگاه متمایل می‌شود. از آن‌جایی که حس مکان ناخودآگاه بیش‌ترین

تأثیر را بر ذائقه معماری دارد، لذا به نظر می‌رسد حس مکان کودکی در میانه بُعد معنایی- فردی و در جایی میان مفهوم ریشه‌داری و دل‌بستگی به مکان تعریف شود. هر چند از نظر هی (Hay 1998) و چاولا، حس مکانی که در دوره کودکی میانه (۶-۱۱ سال) شکل می‌گیرد قوی‌تر است. از نگاه چاولا، جستجوگری و کشف مهم‌ترین عامل ایجاد حس مکان است و بر این اساس است که دوره کودکی میانه (۶-۱۱ سال) را غنی‌ترین دوره برای ایجاد حس مکان در کودکی می‌داند.

چاولا معتقد است که خاطرات ماندگار انسان از وطن خود بخشی از هویت او را شکل می‌دهد؛ چه آن را دوست داشته باشد و چه نداشته باشد (بسیار شبیه به تأثیر مادر). این سطح از وابستگی انسان به مکان از محدودیت‌ها و مرزبندی‌هایی ناشی می‌شود که خانواده در وهله اول و جامعه در وهله بعدی از لحاظ قلمروی حضور به دور کودک می‌کشند و او به علت ضعف و نیاز خود، تا پایان دوران کودکی این محدودیت‌ها را می‌پذیرد. قلمرویی که خانه در مرکز آن قرار دارد.

کودک به این قلمرو مکانی احساس دل‌بستگی می‌کند؛ از حضور در آن احساس شادی کرده یا حداقل با ترک آن دچار تشویش می‌شود. لذا در این حالت، مکان دوران کودکی برای او به ارزش تبدیل می‌شود. چاولا با تقسیم بندی دوران کودکی به سه دوره خردسالی، دوران کودکی میانه و نوجوانی، به مراحل تکوین حس مکان متناظر با رشد کودک پرداخته است. بر این اساس است که متناظر با رشد کودک و قدرت گرفتن او و در نتیجه افزایش قلمرو حضور، روند شکل‌گیری حس او نسبت به مکان‌های جدید تحول می‌یابد (Chawla 1992, 66). رشد ساختار ذهن کودک نیز در این تحول تأثیرگذار است. بدین معنا که با رشد توانایی‌های زبانی، از تصورات پیش‌مانطقی ذهن کودک کاسته شده و ذهن او ساختار تفکر منطقی به خود می‌گیرد. موضوعی که با ورود کودک به نظام آموزشی مدرسه سرعت نیز می‌گیرد (Chawla 1992, 64). بنابراین و به تدریج، منبع انگیزش حس مکان کودکی متناظر با رشد کودک، از تمایلات درونی به جذابیت‌های بیرونی تبدیل می‌شود و تکوین می‌یابد. از طرف دیگر، کودک در سایه شناخت تمایز خود با دیگران و محیط اطراف، با دور شدن از حس وحدت اولیه که در آن خود و محیط پیرامون را یگانه می‌پنداشت، هم به پیوندجویی اجتماعی و جستجوگری در محیط اطراف تمایل نشان داده و هم در مسیر رشد حس کثرت، سویه‌های خود انگاری در شخصیت او پدید می‌آید (شکل ۴).

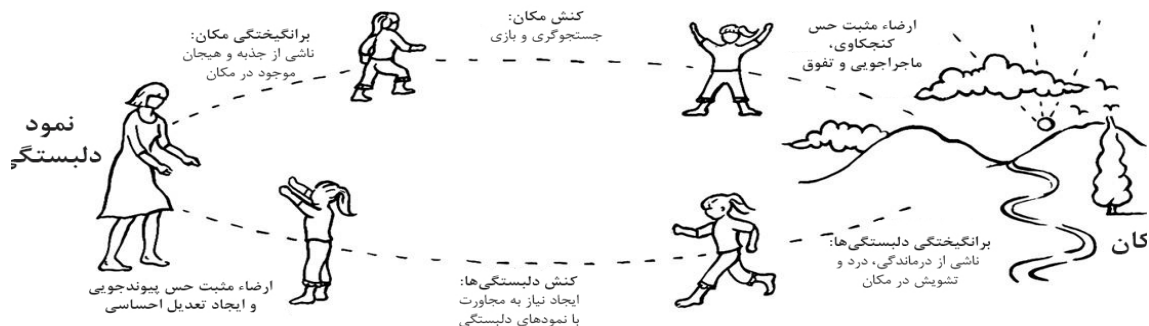
شکل ۴: سیر تکوین حس مکان



دو دارد. او با نگاهی جامع در مدل پیشنهادی خود (شکل ۵)، دلبستگی‌های انسانی را پشتیبان ایجاد دلبستگی‌های مکانی، و از طرف دیگر دلبستگی‌های مکانی را محرکی برای ایجاد دلبستگی‌های انسانی می‌داند. او تلاش می‌کند تا میان تئوری‌های مکان و تئوری‌های دلبستگی (در حوزه روان‌شناسی) ارتباط ایجاد کند و احساسات باطنی انسان (لذت و درد) را حلقه وصل میان این دو می‌داند. هرچند به این نکته نیز اشاره دارد که مطالعه احساسات باطنی در حوزه روان‌شناسی همانند مطالعه مکان در حوزه معماری، موضوعی سهل ممتنع است.

مورگان (Morgan 2010) حس مکان کودکی را این‌طور تعریف می‌کند: «پیوستاری از تجربه‌های مکانی در دوران کودکی که در قالبی باطنی و ناخودآگاه، موجب پیوندی مستحکم و بلندمدت با مکان شود؛ احساسی برآمده از تجربه جستجوگری و کشف، عشق و محبت، فقدان، لذت و امنیت در مکان» (Morgan 2010, 11). او با تحلیل کیفی مصاحبه‌هایی که از بزرگسال‌ها انجام داده به این نتیجه می‌رسد که نه تنها خاطرات به یاد مانده از تجربه‌های مکانی کودکی بر حس مکان دوره بزرگسالی افراد مؤثر است، بلکه کاوش همزمان دلبستگی‌های انسانی و دلبستگی‌های مکانی دوران کودکی، نشان از اشتراکات عمیقی میان این

شکل ۵: چرخه ایجاد حس مکان در دوران کودکی



(Morgan 2010)

موجب حذف تأثیر عوامل ذهنی بیرونی مانند رسانه بر انتخاب معماری جامعه آماری شده و ذات‌گه معماری (به عنوان عامل ذهنی دورنی در انتخاب معماری) به صورت مستقل تری سنجش می‌شود. ضمن آن‌که جامعه آماری تحقیق هم از تنوع مختلف بناهای ساخته‌شده در سطح دنیا مطلع است و محدودیت انتخاب ندارد و هم فارغ

۷. یافته‌ها و بحث

در این پژوهش، دانشجویان دانشکده معماری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. انتخاب دانشجویان معماری به این دلیل است که هم مهارت لازم برای توصیف ویژگی‌های معماری بناهای کودکی خود را دارند و هم دانش معماری این افراد تاحدی

حس مکان مصاحبه‌شوندگان نسبت به بناهای کودکی آن‌ها بوده و از خلال مرور خاطرات آن‌ها به دست آمده از این قرار است:

مکان تکرار: مکانی است که لذت یا درد طولانی‌مدت یا دفعی و تأثیرگذاری در آن برای کودک رخ نداده و حس مکان شکل گرفته به واسطه تکرار تجربه حضور او در آن مکان به دفعات زیاد و برای یک بازه زمانی طولانی است. - مکان درد: مکانی که کودک از حضور در آن‌ها خاطرات منفی در ذهن دارد و درد را تجربه کرده است؛ تجربه دردهای روحی مانند تبعیض، فقدان و ترس یا تجربه دردهای جسمی.

- مکان لذت: مکانی که کودک از حضور در آن‌ها خاطرات مثبتی در ذهن دارد و لذت را تجربه کرده است؛ تجربه هر نوع لذتی در مکان به غیر از امنیت!

- مکان امن: مکانی که برای کودک تجربه امنیت را به همراه داشته باشد. چه عامل ترس ابتدایی دورن همان مکان باشد و چه بیرون از آن. هر چند تجربه امنیت نوعی تجربه لذت‌بخش است اما به علت فراوانی بالای اشاره به آن به صورت یک مؤلفه جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. - مکان حسرت: این مکان نیز در واقع نوعی مکان لذت است که کودک به هر علتی حسرت حضور دوباره در آن را نه تنها در کودکی داشته بلکه همچنان دارد. لذا این مکان نمی‌تواند به صورت مشترک مکان تکرار و مکان درد باشد، اما درد عدم تکرار آن مکان در ذهن فرد مانده است و به احتمال زیاد دارای انطباق با مکان لذت یا مکان امن است. این مؤلفه در مطالعات مرتبط قبلی مغفول بوده و توجه به آن از ویژگی‌های منحصر به فرد این پژوهش است.

کدگذاری قسمت دوم و سوم مصاحبه، در واقع کاوش چگونگی و نیز احصای فراوانی شاخصه‌های هفت‌گانه معمارانه نیلاندر (Nylander 2011) در بناهای دوره کودکی و بناهای دلپسند مصاحبه‌شوندگان است. هر چند در خلال مصاحبه‌ها تلاش شد تا به محورهای هفت‌گانه مذکور در صورت لزوم افزوده شود اما به نظر می‌رسد این شاخصه‌ها به طور کامل توصیف‌های معمارانه مصاحبه‌شوندگان از بناهای کودکی آن‌ها را پوشش داده است. شاخصه‌های مذکور و توصیف‌های مرتبط با آن‌ها بدین قرار است:

- مصالح و جزئیات: هر نوع اشاره به جنس، رنگ، مبلمان، حضور گیاه.

- محوربندی: هر نوع اشاره به مسیر یا محور عینی یا ذهنی در بنا به عنوان کاربر درونی یا ناظر بیرونی.

- محصوریت: هر گونه اشاره به رابطه درون و بیرون بنا (محرمیت، تخلخل و غیره) یا داشتن احساس امنیت و آرامش در بنا (خلوت، پاتوق و غیره).

- حرکت: هر اشاره‌ای به ترجیح به توقف یا عبور یا کنجکاو نسبت به فضاهای درونی بنا (چه به صورت فیزیکی یا به صورت ذهنی).

از این موضوع، امکان و توانایی طراحی بنایی منطبق با ذائقه معماری خود را دارد که متأثر از شرایط اقتصادی نیست. این موضوع موجب حذف تأثیر محدودیت انتخاب و شرایط اقتصادی در انتخاب معماری شده (عوامل عینی در انتخاب معماری) و ذائقه معماری با دقت بیشتری سنجش می‌شود.

پرسش‌های مصاحبه‌های این پژوهش در سه بخش «پرسش از حافظه خودآگاه»، «پرسش از حافظه ناخودآگاه» و «ارزیابی خودانگاره» طراحی شده است. قابل ذکر است که تقسیم‌بندی پرسش‌های مصاحبه به سه بخش مذکور از مطالعه مورگان (۲۰۱۰) وام گرفته شده و تنظیم محورهای سؤالات در هر بخش با توجه به سؤالات مصاحبه‌های نیلاندر (۱۳۹۰) و نیز نیازهای پژوهش حاضر بوده است. ضمن آن‌که پرسش‌ها چه به صورت کلی و چه به صورت جزئی، پس از انجام چند مصاحبه ابتدائی مورد بازنگری و تدقیق قرار گرفته است.

پرسش از حافظه خودآگاه در بخش اول مصاحبه به واسطه مرور خاطرات و تجربه‌های فضایی کودکی با جستجو در بعد معنایی - فردی حس مکان دوران کودکی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر در این بخش از مصاحبه، حس مکانی که فرد نسبت به بناهای دوره کودکی دارد آشکار می‌شود. پرسش از حافظه ناخودآگاه در بخش دوم مصاحبه، در واقع پرسش از شاخصه‌های معمارانه بناهای کودکی است که افراد کمتر آن‌ها را به صورت خودآگاه در ذهن داشته و به آن اشاره می‌کنند و برای استخراج آن‌ها نیاز به طرح سؤالات جزئی‌تر است. کاوش در این ویژگی‌ها به شناخت میزان ماندگاری ذهنی شاخص‌های معمارانه بناهای کودکی می‌انجامد. پرسش‌های بخش سوم یا ارزیابی خودانگاره نیز به جستجوی ذائقه معماری جامعه آماری در هر یک از شاخصه‌های معمارانه قبلی می‌پردازد. بدین ترتیب که توصیف مصاحبه‌شونده از طرح‌های معماری در دوره دانشجویی و نیز طرح‌های منتخب او ثبت شده و دلایل پسند یا ناپسند آن طرح‌ها از طرف او بیان می‌شود. در نهایت این داده‌ها کدگذاری شده و در محورهای مشخص شده به صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه می‌شوند و تحلیل‌های نهایی بر اساس این مقایسه‌های تطبیقی به دست می‌آید.

۷-۱- گردآوری و طبقه‌بندی داده‌ها

در گردآوری و استخراج داده‌های کیفی مصاحبه‌ها از روش کدگذاری کیفی و سپس وزن‌دهی کمی آن‌ها بهره برده شده است. در کدگذاری بخش اول مصاحبه‌ها به پنج مؤلفه اصلی حس مکان کودکی می‌توان اشاره کرد که به نوعی جمع‌بندی مؤلفه‌های یافت‌شده در پژوهش‌های قبلی و نیز به طور خاص بر اساس یافته‌های این پژوهش است. این پنج مؤلفه حسی که می‌توانند تا حدی به صورت مشترک در یک مکان واحد حادث شوند و در واقع بیان‌گر

حس مکان» برای هر نمونه موردی در هر دسته از بناهای فوق و سپس به صورت کلی محاسبه شده و در قالب درصد بیان شده است (خانه‌های آبی‌رنگ جدول ۳). از طرف دیگر، با ضرب «میزان تأثیر هر یک از بناهای دوره کودکی بر انتخاب بناهای دلپسند» (متغیری که با مقایسه تطبیقی شاخصه‌های معمارانه آن بنای کودکی با بناهای دلپسند و بر اساس نظر محقق و با مشورت با مصاحبه‌شونده تعیین شده) در فراوانی مؤلفه‌های حس مکانی که فرد در آن بنا داشته به این مؤلفه‌ها وزن داده شده و با تجمیع این مؤلفه‌های وزن‌داده‌شده، «ترخ اثر» کلی هر یک از مؤلفه‌های حس مکان بر بناهای دلپسند (بناهای منطبق با ذائقه معماری) برای هر نمونه موردی و سپس به صورت تجمیعی به دست آمده و در قالب درصد بیان شده است (خانه‌های نارنجی‌رنگ جدول ۳).

فرم فضایی: هر گونه اشاره به شکل، ابعاد یا تناسبات فضاهای داخلی یا هیئت خارجی یک بنا.

نورگیری: هر نوع اشاره به حضور نور یا تاریکی فضاهای داخلی بنا.

ساماندهی فضایی: هر گونه اشاره به نحوه قرارگیری فضاها در کنار هم، یا اشاره به فضاهای واسط یا مرزی، یا اشاره به اهمیت یا مرکزیت داشتن فضایی در یک مکان.

در این پژوهش با شش نمونه موردی مصاحبه عمیق صورت گرفته است. بناهای دوره کودکی مصاحبه‌شوندگان در پنج دسته کلی جای گرفته‌اند که بر اساس میزان حضور افراد در آن‌ها بدین ترتیب‌اند: خانه پدری، خانه مادربزرگ، مدرسه، خانه اقوام و اقامتگاه مسافرتی. در بررسی بخش اول مصاحبه، حسی که مصاحبه‌شونده به هر یک از بناهای فوق دارد احصا شده و «فراوانی مؤلفه‌های

جدول ۳: داده‌های تجمیعی فراوانی مؤلفه‌های حس مکان و نرخ اثر آن‌ها بر ذائقه معماری

مکان تکراری		مکان لذت		مکان درد		مکان حسرت		مکان امن		
۱۰٪	۲۰٪	۳۳٪	۴۰٪	۱۰٪	۲۰٪	۷٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪	نمونه موردی اول
۳۳٪	۵۰٪	۶۷٪	۵۰٪	-	-	-	-	-	-	نمونه موردی دوم
۳۷٪	۳۳٪	۱۳٪	۱۶٪	۳۴٪	۳۷٪	-	-	۱۶٪	۱۳٪	نمونه موردی سوم
۲۰٪	-	۳۰٪	۱۳٪	-	۲۰٪	۲۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۳۷٪	نمونه موردی چهارم
۳۳٪	۱۷٪	۳۳٪	۳۳٪	-	-	۱۲٪	۳۳٪	۲۲٪	۱۷٪	نمونه موردی پنجم
۵۰٪	۳۳٪	۲۵٪	۳۴٪	-	-	-	-	۲۵٪	۳۳٪	نمونه موردی ششم
۳۲٪		۳۴٪		۲۵٪		۱۳٪		۱۸٪		فراوانی
۲۴٪		۳۱٪		۱۵٪		۳۸٪		۲۳٪		نرخ اثر
۰.۷۵		۰.۹۱		۰.۶۰		۲.۹۰		۱.۲۸		ضریب تأثیر

۴). روندی که برای اظهارات مصاحبه‌شونده درباره بناهای دلپسند در بخش سوم مصاحبه نیز تکرار شده و فراوانی شاخصه‌های معمارانه در آن بناها برای هر نمونه موردی و سپس به صورت تجمیعی در قالب درصد بیان شده است (قسمت‌های نارنجی‌رنگ جدول ۴).

در بررسی بخش دوم مصاحبه نیز با کدگذاری اشارات مصاحبه‌شونده به هر یک از شاخصه‌های معمارانه در هر یک از بناهای دوره کودکی، فراوانی هر شاخصه در هر یک از بناهای دوره کودکی محاسبه شده و به صورت کلی برای هر نمونه موردی و سپس به صورت تجمیعی در قالب درصد بیان شده است (قسمت‌های آبی‌رنگ جدول

جدول ۴: داده‌های تجمیعی فراوانی شاخصه‌های معمارانه در توصیف بناهای دوره کودکی و بناهای دلپسند

مصلح و جزئیات		محوربندی		محسوریت		حرکت		فرم فضایی		نورگیری		ساماندهی فضایی		
۲۲	-	۱۲	-	۱۳	۴۰	۱۰	-	۸	۱۰	۱۳	-	۲۲	۵۰	نمونه موردی اول
۲۲	۲۵	۸	-	۱۴	۲۵	۶	-	۸	۲۵	۱۴	۲۵	۲۸	-	نمونه موردی دوم
۲۱	۲۷	۱۱	-	۲۴	۲۷	۷	-	۷	-	۷	-	۲۳	۴۶	نمونه موردی سوم
۱۹	۲۶	۹	۳	۱۹	۲۶	۱۱	-	۱۴	۳	۹	۱۲	۱۹	۳۰	نمونه موردی چهارم
۱۶	۲۰	۹	-	۲۱	۲۰	۱۴	۲۰	۶	۲۰	-	۱۲	۲۲	۴۰	نمونه موردی پنجم
۲۴	۳۳	۹	-	۱۲	۳۳	۹	-	۹	-	۱۲	-	۲۵	۳۴	نمونه موردی ششم

مصالح و جزئیات	محوربندی	محسوریت	حرکت	فرم فضایی	نورگیری	ساماندهی فضایی
فراوانی بناهای کودکی	۲۱٪	۱۰٪	۱۷٪	۹٪	۹٪	۲۳٪
فراوانی بناهای دلپسند	۲۲٪	۱٪	۲۹٪	۳٪	۶٪	۳۳٪
ضریب تأثیر	۱.۰۴	۰.۱۰	۱.۷۰	۰.۳۳	۰.۶۷	۱.۴۳

۷-۲- تحلیل داده‌ها

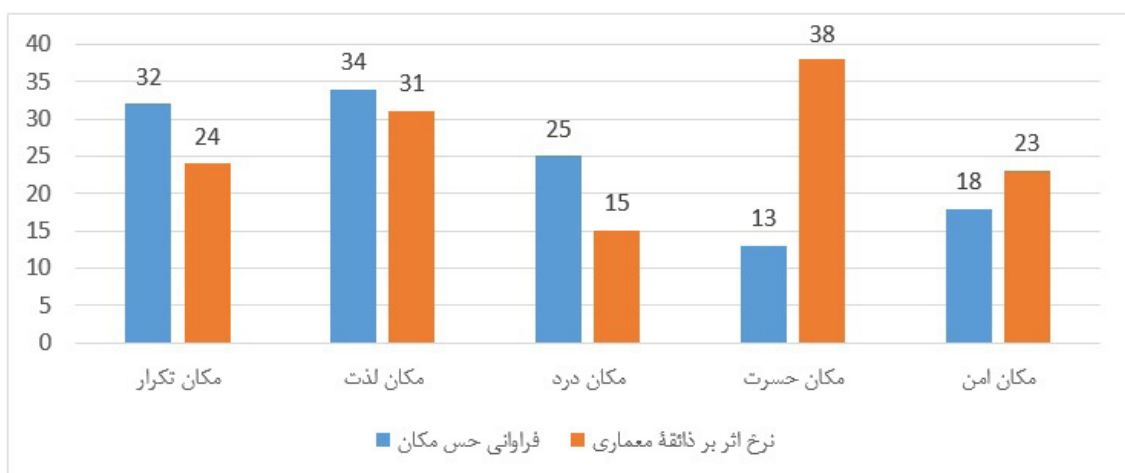
در این بخش اطلاعات مصاحبه از نمونه‌های موردی به صورت تجمیعی در نمودارهایی به نمایش درآمده و سپس تفسیر محقق از این اطلاعات ارائه شده است. این اطلاعات به دو قسمت «مقایسه فراوانی مؤلفه‌های حس مکان کودکی و نرخ اثر آن‌ها بر ذائقه معماری» و «مقایسه فراوانی توجه به شاخصه‌های معمارانه در توصیف بناهای کودکی و بناهای دلپسند (منطبق با ذائقه معماری)» تفکیک شده و مورد دقت قرار گرفته است.

۷-۲-۱- مقایسه فراوانی مؤلفه‌های حس مکان کودکی

و نرخ اثر آن‌ها بر ذائقه معماری

شکل ۶ بر اساس اطلاعات جدول ۳ ترسیم شده است. اولویت‌بندی مؤلفه‌های حس مکان کودکی بر اساس ضریب تأثیر بر ذائقه معماری به این ترتیب است: مکان حسرت (۲.۹) < مکان امن (۱.۲۸) < مکان لذت (۰.۹۱) < مکان تکرار (۰.۷۵) < مکان درد (۰.۶۰)

شکل ۶: مقایسه فراوانی مؤلفه‌های حس مکان کودکی و نرخ اثر آن‌ها بر ذائقه معماری



بتوان از تأثیر آن چشم‌پوشی کرد همان‌طور که در بخش ۷-۱ توضیح داده شد، مکان حسرت و مکان امن نیز به نوعی در حیطه کلی مکان لذت تعریف می‌شوند و به علت تأکید بر اهمیت آن‌ها به صورت جداگانه مورد دقت قرار گرفته‌اند. با در نظر گرفتن تجمیعی داده‌های مربوط به سه مؤلفه مذکور تحت عنوان مکان لذت می‌توان این‌طور برداشت کرد که مکان لذت نسبت به مکان تکرار و مکان درد تأثیر بسیار بیشتری بر ذائقه معماری فرد در دوره بزرگسالی دارد.

۷-۲-۲- مقایسه فراوانی توجه به شاخصه‌های

معمارانه در توصیف بناهای کودکی و بناهای دلپسند

شکل ۷ بر اساس اطلاعات جدول‌های ۴ ترسیم شده است. اولویت‌بندی شاخصه‌های معمارانه بر اساس ضریب تأثیر بر ذائقه معماری به این ترتیب است:

- هرچند مؤلفه مکان حسرت دارای کم‌ترین فراوانی نسبت به دیگر مؤلفه‌های حس مکان است، اما هم دارای بیش‌ترین نرخ اثر و هم دارای بیش‌ترین ضریب تأثیر بر ذائقه معماری است

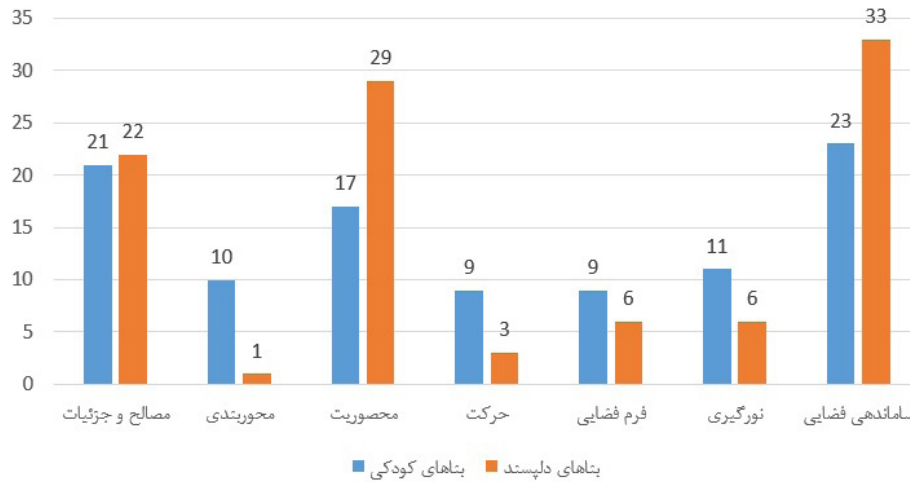
- هرچند مؤلفه مکان امن دارای فراوانی کم‌تری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها (به غیر از مکان حسرت) است، اما از لحاظ ضریب تأثیر در رتبه دوم قرار می‌گیرد و حتی نرخ اثر آن بر ذائقه معماری از مکان درد بیش‌تر است.

- مؤلفه‌های مکان تکرار و مکان لذت دارای بیش‌ترین فراوانی در میان دیگر مؤلفه‌ها بوده و از این لحاظ که دارای نرخ اثر به نسبت بالایی‌اند قابل توجه هستند. هرچند می‌توان گفت تا حدی اثرگذاری مکان لذت بر ذائقه معماری از مکان تکرار بیش‌تر است.

- هرچند مکان درد دارای کم‌ترین ضریب تأثیر در میان دیگر مؤلفه‌ها است، اما این ضریب به حدی کم نیست که

محصوریت (۱.۷۰) < ساماندهی فضایی (۱.۴۳) < مصالح (۰.۵۴) < حرکت (۰.۳۳) < محوربندی (۰.۱۰) و جزئیات (۱.۰۴) < فرم فضایی (۰.۶۷) < نورگیری

شکل ۷: مقایسه فراوانی توجه به شاخصه‌های معمارانه در توصیف بناهای کودکی و بناهای دلپسند



موجب پیوندی مستحکم و بلندمدت با مکان شود. احساسی برآمده از تکرار تجربه جستجوگری، کشف و نیز تجربه لذت و درد در مکان؛ چه این‌که شاخصه‌های معمارانه مکان خود یکی از عوامل این تجربه‌ها باشند و چه صرفاً مکان، بستری برای ثبت تجربه‌ها باشد. هر چند مؤلفه‌های حس مکان کودکی دارای سه محور اصلی مکان لذت، مکان تکرار و مکان درد است، اما به علت ثبت فراوانی زیاد در مطالعات میدانی این پژوهش به دو مؤلفه مکان امن و مکان حسرت که ذیل مکان لذت تعریف می‌شوند نیز به صورت اختصاصی اشاره شده است.

حلقه وصل حس مکان کودکی فرد و ذائقه معماری بزرگسالی او در انگاره‌های فضایی-شهودی ذهن اوست. انگاره‌هایی که توسط ارتباط با مکان‌های دوره کودکی و تجربه حسی آن‌ها ایجاد شده و در ناخودآگاه ذهن ذخیره می‌شود و هنگام ابراز ذائقه معماری در بزرگسالی و نشان دادن پسند و ناپسند فرد نسبت به بناهای جدید به انتخاب‌های معماری او می‌انجامد.

بعضی از دانشوران این حوزه (گروه اول) مانند چاولا (Chawla 1992) و هی (Hay 1998) و وجیه (Wagih 2015) معتقدند حس مکانی که فرد در کودکی و در مواجهه با بناهای مرتبط دریافت کرده، فارغ از ابعاد مثبت و منفی آن، به جزئی از هویت او تبدیل شده و انسان تمایل به تکرار شاخصه‌های معماری آن بناها در انتخاب‌های معماری دوره بزرگسالی دارد. گروهی دیگر از دانشوران (گروه دوم) مانند مورگان (Morgan 2010) نیز معتقدند داشتن حس مکان مثبت به بناهای دوره کودکی به صورت ایجابی و داشتن حس مکان منفی به بناهای دوره کودکی به صورت سلبی در انتخاب‌های معماری دوره بزرگسالی تأثیر دارد.

- در بیشتر موارد شاخصه‌های معمارانه‌ای که در دوره کودکی مورد توجه فرد بوده در انتخاب‌های معماری بزرگسالی او نیز دارای بیش‌ترین میزان تأثیر و حتی ضریب تأثیر است (محصوریت، ساماندهی فضایی و مصالح و جزئیات).

- هرچند شاخصه ساماندهی فضایی ضریب تأثیر کم‌تری نسبت به محصوریت دارد، اما به دلیل توجه بیش‌تر ذهن کودک به آن، میزان تأثیر بیش‌تری نیز بر ذائقه معماری دارد و از این لحاظ مهم‌ترین شاخصه است.

- تصور اولیه محقق بر این بود که شاخصه مصالح و جزئیات در میان دیگر شاخصه‌ها دارای بیش‌ترین میزان تأثیر باشد، اما از این لحاظ در رتبه میانی قرار گرفت. هرچند همچنان پس از ساماندهی فضایی و محصوریت دارای بیش‌ترین میزان تأثیر بوده و از این لحاظ قابل توجه است.

- ذهن مصاحبه‌شوندگان در دوره کودکی توجه متوسطی به شاخصه‌های محوربندی و حرکت دارد، اما میزان تأثیر آن بر ذائقه معماری بزرگسالی او قابل چشم‌پوشی است. هرچند با توجه به این‌که درک فضایی شاخصه‌های مذکور سخت‌تر بوده و نیازمند حضور فیزیکی در بنا است و نظر به این‌که بیش‌تر مصاحبه‌شوندگان بناهایی را به عنوان بنای دلپسند معرفی کرده‌اند که حضور فیزیکی در آن نداشته‌اند، لذا این اثرگذاری پایین قابل توجیه است.

۸. نتیجه‌گیری

حس مکان کودکی در خلال تئوری‌های منبعث از بُعد معنایی-فردی حس مکان تعریف می‌شود. بر این اساس حس مکان کودکی پیوستاری از تجربه‌های مکانی در دوران کودکی است که در قالبی باطنی و ناخودآگاه،

حس مکان کودکی در دایره مؤلفه مکان لذت تعریف می‌شوند، اما به صورت دو مؤلفه جداگانه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. نتیجه این بررسی نشان داد که هرچند مؤلفه مکان حسرت دارای کم‌ترین فراوانی نسبت به دیگر مؤلفه‌های حس مکان است، اما هم دارای بیش‌ترین نرخ اثر و هم دارای بیش‌ترین ضریب تأثیر بر ذائقه معماری است. مؤلفه مکان امن نیز که فراوانی کم‌تری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها (به غیر از مکان حسرت) داشت، از لحاظ ضریب تأثیر بر ذائقه معماری در رتبه دوم قرار گرفت و حتی نرخ اثر آن بر ذائقه معماری از مؤلفه مکان درد بیش‌تر بود.

دیگر نتیجه مهم این پژوهش که چگونگی رابطه حس مکان کودکی و ذائقه معماری را توضیح می‌دهد، رتبه‌بندی شاخصه‌های معمارانه بناهای دوره کودکی و میزان تأثیر آن‌ها بر شاخصه‌های معمارانه بناهای دلپسند یا منطبق بر ذائقه معماری است. بدین ترتیب که شاخصه‌های معمارانه‌ای از بناهای دوره کودکی که بیش‌تر در ذهن فرد ماندگار شده با شاخصه‌های معمارانه بناهای دلپسند او نیز دارای بیش‌ترین اشتراکات بوده و لذا در ذائقه معماری بزرگسالی او نیز دارای بیش‌ترین تأثیر است (محصوریت، ساماندهی فضایی و مصالح و جزئیات).

بر اساس نتایج مطالعات میدانی این پژوهش حس مکان فرد نسبت به بناهای دوره کودکی او به سه دسته کلی حس مکان مثبت (مکان لذت، مکان امن و مکان حسرت)، حس مکان منفی (مکان درد) و حس مکان خنثی (مکان تکرار) تقسیم می‌شود. پژوهش حاضر دیدگاه گروه دوم دانشوران در تأثیر ایجابی حس مکان مثبت بناهای دوره کودکی و تأثیر سلبی حس مکان منفی آن بناها در ذائقه معماری بزرگسالی را تأیید کرده و در عین حال تأثیر ایجابی مکان لذت را بسیار بیش‌تر از تأثیر سلبی مکان درد می‌داند. اما در تکمیل این دیدگاه لازم است به مکان‌هایی در دوره کودکی نیز اشاره شود که فرد حسی خنثی نسبت به آن‌ها دارد. مکان تکرار بر اساس تعریف این پژوهش مکانی است که لذت یا درد طولانی‌مدت یا دفعی و تأثیرگذاری در آن برای فرد رخ نداده و تأثیر ایجابی آن بر ذائقه معماری بزرگسالی به واسطه تکرار تجربه حضور او در آن مکان به دفعات زیاد و برای یک بازه زمانی طولانی است. مکانی که از لحاظ میزان تأثیرگذاری بر ذائقه معماری در رتبه پایین‌تری از مکان لذت قرار گرفته اما نسبت به مکان درد جایگاه بالاتری دارد. موضوعی که نتایج پژوهش را به دیدگاه گروه اول دانشوران نزدیک می‌کند. با توجه به فراوانی بالای اشاره به مکان حسرت و مکان امن در خلال مصاحبه‌ها، با آن‌که در میان مؤلفه‌های

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

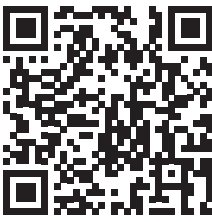
درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

فهرست منابع

- Beidler, Kyle J. 2007. *Sense of place and new urbanism: Towards a holistic understanding of place and form*. Virginia Tech. <https://vtechworks.lib.vt.edu/items/51ae4359-4844-4295-a0ad-cec8bfa553c4>
- Brown, Barbara B., and Douglas D. Perkins. 1992. Disruptions in place attachment. In *Place attachment* (pp. 279-304). Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4684-8753-4_13
- Chawla, Louise. 1992. Childhood place attachments. In *Place attachment* (pp. 63-86). Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4684-8753-4_4
- Eslami Parikhani, Sadif, Mohsen Kalantari, and Abolfazl Meshkini. 2020. Analysis of Epistemological Foundations and Theoretical Models of Sense of Place and Roots among the Residents of Haft Houz Neighborhood of Tehran. *Bi-Quarterly of Urban Ecology Researches* 11(1): 165-178. <https://doi.org/10.30473/grup.2020.7498>. [in Persian]
- Falahat, Mohammadsadegh. 2005. The role of physical design in the sense of place of the mosque. *Fine Arts Journal* 22(22): 35-42. https://jhz.ut.ac.ir/article_10736.html. [in Persian]
- Falahat, Mohammadsadegh, Leila Kamali, and Samad Shahidi. 2017. Role of the concept of sense of place in enhancing the quality of architectural protection. *Bagh-e Nazar Journal* 46: 15-22. https://www.bagh-sj.com/article_44351.html. [in Persian]
- Falahat, Mohammadsadegh, and Samira Noohi. 2012. The nature of signs and its role in enhancing the architectural space. *Fine Arts Journal* 17(1): 17-26. https://jfaup.ut.ac.ir/article_29693.html. [in Persian]
- Frascari, Marco. 1986. Semiotica ab edendo, tašte in architecture. *Journal of Architectural Education* 40(1): 2-7. <https://doi.org/10.1080/10464883.1986.11102648>
- Godin, Seth. 2021. *Linchpin*. Translated by Alireza Khaksaran. Tehran: Amukhte Press. <https://amookhteh.ir/product/linchpin/>. [in Persian]
- Gokce, Duygu, and Fei Chen. 2021. Multimodal and scale-sensitive assessment of sense of place in residential areas of Ankara, Turkey. *Journal of Housing and the Built Environment* 36(3): 1077-1101. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10901-020-09798-6>
- Gustafson, Per. 2001. Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology* 21(1): 5-16. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494400901853>
- Haidt, Jonathan. 2019. *Righteous Mind*. Translated by Hadi Bahmani. Tehran: Nashrenovin Press. <https://nashrenovin.ir/product/righteous-mind-by-jonathan-haidt/>. [in Persian]
- Hashemnezhad, Hashem, Aliakabr Heidari, and Parisa Mohammad Hoseini. (2013). Sense of place and place attachment. *International Journal of Architecture and Urban Development* 3(1): 5-12. https://www.academia.edu/24868072/Sense_of_Place_and_Place_Attachment?sm=b
- Hay, Robert. 1988. Toward a theory of sense of place. *The Trumpeter* 5(4). <https://trumpeter.athabascau.ca/index.php/trumpet/article/view/699>
- Hay, Robert. 1998. A rooted sense of place in cross-cultural perspective. *Canadian Geographer/Le Géographe Canadien* 42(3): 245-266. <https://doi.org/10.1111/j.1541-0064.1998.tb01894.x>
- Heidari, Aliakbar, Ghasem Motalebi, and fahimeh Negintaji. 2014. Analysis of the physical dimension of the sense of belonging to a place in traditional houses and modern residential complexes. *Fine Arts Journal* 19(3): 75-86. https://jfaup.ut.ac.ir/article_55372.html. [in Persian]
- Hernández, Bernardo, Carmen Hidalgo, and Cristina Ruiz. 2020. Theoretical and methodological aspects of research on place attachment. In *Place Attachment* (pp. 94-110). Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9780429274442>
- Hojat, Isa, and Azadeh Aghalatifi. 2010. A reflection on the role of the audience in the quality of Iran's architecture today. *Fine Arts Journal* 17(42): 25-36. https://jfaup.ut.ac.ir/article_22611.html. [in Persian]
- Holland, Charles. 2011. Questions of Tašte. *Architectural Design* 81(5): 90-97. <https://doi.org/10.1002/ad.1298>
- Imani, Nadieh, and Sevil Zafarmandi. 2017. Origins of Tašte in Architecture. *Bagh-e Nazar Journal* 53: 33-40. https://www.bagh-sj.com/article_51267.html?lang=en. [in Persian]
- Jafaripour, Seyedfaridodin, and Mahdi Frutan. 2015. Evaluation of place attachment: explanation of factors and indicators. *Hafthesar Journal* 4: 63-76. <https://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-307-fa.html>. [in Persian]
- Kashi, Hamid, and Naghmeh Bonyadi. 2013. Explaining the model of place identity-sense of place and examining its different elements and dimensions (case example: Shahreri pedestrian walkway). *Fine Arts Journal* 18(3): 43-52. https://jfaup.ut.ac.ir/article_51317.html. [in Persian]
- Kudryavtsev, Alex, Richard C. Stedman, and Marianne E. Krasny. 2012. Sense of place in environmental education. *Environmental Education Research* 18(2): 229-250. <https://doi.org/10.1080/13504622.2011.609615>
- Kushner, Marc. 2015. *The Future of Architecture in 100 Buildings*. Simon & Schuster/ TED books. <https://www.ted.com/read/ted-books/ted-books-library/the-future-of-architecture>
- Lak, Azadeh, and Ahmad Gholampour. 2015. Understanding the sense of place in Bam residential renovation (case

- example: Narges residential complex). *Housing and Village Environment Quarterly* 34(149): 37-50. <https://jhre.ir/article-1-732-fa.html>. [in Persian]
- Lewicka, Maria. 2011. Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology* 31(3): 207-230. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.10.001>
 - Mahdavinnejhad, Mohammadjavad, and Sara Talebhashemi. 2017. The role of design and implementation quality in realizing the concept of identity in contemporary Iranian architecture. *Bi-quarterly journal of architectural thought* 1(1): 94-105. https://at.journals.ikiu.ac.ir/article_288.html. [in Persian]
 - Maleki, Mohammadreza, Sepideh Parsa, Behzad Vasigh, and Ebrahim Moradi. 2014. Investigating the sense of belonging to a place according to gender differences (case study, Ilam city). *Housing and Village Environment Quarterly* 33(148): 99-108. https://jhre.ir/browse.php?a_code=A-10-677-1&slc_lang=fa&sid=1. [in Persian]
 - Manzo, Lynne, and Patrick Devine-Wright. 2020. *Place attachment: Advances in theory, methods and applications (2nd Ed.)*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203757765>
 - Morgan, Paul. 2010. Towards a developmental theory of place attachment. *Journal of Environmental Psychology* 30(1): 11-22. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.07.001>
 - Nanzer, Bruce. 2004. Measuring sense of place: A scale for Michigan. *Administrative Theory & Praxis* 26(3): 362-382. <https://www.jstor.org/stable/25610679>
 - Nikravesh, Reza, and Mohammad Ghasemi. 2014. Recognizing the place of the spirit of the place in the design of children's space, based on the phenomenological opinions of Norberg Schultz. *Quarterly journal of interdisciplinary studies in humanities* 7(1): 145-172. https://www.isih.ir/article_183.html. [in Persian]
 - Nylander, Ola. 2011. *Architecture of the Home*. Translated by Mohammadsadegh Falahat. Zanjan: Zanjan University Press. ISBN: 9789648885354. [in Persian]
 - Pallasmaa, Juhani. 2012. *The eyes of the skin: Architecture and the senses*. John Wiley & Sons. ISBN: 978-1-119-94350-1
 - Rahimi, Leila, Mohsen Rafian, and Mahdi Bagheri. 2017. Evaluating the effect of spatial scale on residents' attachment to place in central neighborhoods (Tabriz city). *Journal of architecture and urban planning* 9(2): 43-58. http://aup.journal.art.ac.ir/article_511.html. [in Persian]
 - Rieh, Sun-young. 2003. Boundary and sense of place in traditional Korean dwelling. *Sungkyun Journal of East Asian Studies* 3(2): 62-79. <https://www.jstor.org/stable/41758713>
 - Rieh, Sun-Young. 2020. *Creating a Sense of Place in School Environments: How Young Children Construct Place Attachment*. New York: Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9780429441332>
 - Sauchelli, Andrea. 2012. The structure and content of architectural experience: Scruton on architecture as art. *Eštetika: The European Journal of Aesthetics* 49(1): 26-44. <https://estetikajournal.org/article/10.33134/eeja.89/>
 - Scott, Geoffrey 1914. *The Architecture of Humanism, A Study in the History of Taste*. Houghton Mifflin Company. ISBN: 9780393730357
 - Scruton, Roger. 1975. Architectural taste. *The British Journal of Aesthetics* 15: 294-328. <https://doi.org/10.1093/bjaesthetics/13.4.327>
 - Seamon, David. 2020. Place attachment and phenomenology: The dynamic complexity of place. In *Place Attachment* (pp. 29-44). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429274442>
 - Shamai, Shmuel. 1991. Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum* 22(3): 347-358. [https://doi.org/10.1016/0016-7185\(91\)90017-K](https://doi.org/10.1016/0016-7185(91)90017-K)
 - Shamai, Shmuel. 2018. Measuring negative sense of place: Israeli settlers' forced migration. *GeoJournal* 83(6): 1349-1359. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10708-017-9842-3>
 - Shamai, Shmuel, and Zinaida Ilatov. 2005. Measuring sense of place: Methodological aspects. *Tijdschrift Voor Economische En Sociale Geografie* 96(5): 467-476. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2005.00479.x>
 - Tester, Griff, Erin Ruel, Angela Anderson, Donald C. Reitzes, and Deirdre Oakley. 2011. Sense of place among Atlanta public housing residents. *Journal of Urban Health* 88(3): 436-453. <https://www.jstor.org/stable/23362175>
 - Tuan, Yi-Fu. 1975. Place: An Experiential Perspective. *Geographical Review* 65(2): 151-165. <https://doi.org/10.2307/213970>
 - Wagih Fawzi, Youssef. 2015. *Architecture: Space, place, and memory*. DOI:10.13140/RG.2.1.2017.4247
 - Williams, Daniel R., and Brett Alan Miller. 2020. Metatheoretical moments in place attachment research: Seeking clarity in diversity. In *Place Attachment* (pp. 12-28). Routledge. DOI:10.4324/9780429274442-1

<p>نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>ایرجی، احمدعلی، مهدی زندیه، محمدصادق فلاحت، و رضا سامه. ۱۴۰۲. تحلیل رابطهی حس مکان دوران کودکی و ذائقهی معماری بزرگسالی، مورد مطالعاتی: دانشجویان معماری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۶(۴۵): ۱۶۱-۱۷۶.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2023.367048.2731</p> <p>URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_183814.html</p>	
<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	